

بارقه اخلاقی و سازش کهن الگوی آرتمیس و دمتر از یونان باستان

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: مهر ۱۳۹۹



کبری رحیمی^۱، سعدالله رحیمی^۲

^۱ کارشناس ارشد، مطالعات زنان، بافت

^۲ دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، کرمان

نویسنده مسئول:

سعدالله رحیمی

چکیده

اصطلاح کهن الگو یا آرکی تایپ از دو واژه یونانی آرکی به معنای اصیل و تایپ به معنای مدل و الگو تشکیل شده است. مفهوم کهن الگو را کارل گوستاو یونگ وارد روانشناسی تحلیلی کرد و معتقد بود آنها محتویات ناخودآگاه جمعی و فردی را به نمایش گذاشته و افراد را برای انجام برخی رفتارها مستعد می‌کنند. پیروان روش شناسایی کهن الگوها، آنها را بر اساس باوری که یونانیان باستان به خدایان و خدایانوان داشته‌اند، دسته بندی و معرفی کرده‌اند. کهن الگوی آرتمیس و نیز، دمتر که خصوصیات زنانه آنان ترسیم می‌شود، از الگوی اساطیری این کهن الگو، درباره نگرش به الهه‌هایی است که با نام ایزدانوان معروف بوده‌اند. آرتمیس، علاقه مند به طبیعت و گشت و گذار در آن و شکار کردن است و دمتر، در پیوند دوستی، عشق مادر به فرزند کوشش دارد. آرتمیس، پاکدامن و مجرد است و به دیگران وفادار می‌ماند، ولی، فاقد همدردی و حس ترحم کافی است. و دمتر، با خلف وعده دیگری ستیز می‌کند و پیروز می‌شود. هر دو الهه، هدف گرا، بی پروا و استوار و پایبند به اهداف خود هستند. آرتمیس الهه حیات وحش و جریان داشتن است. او همیشه تیر و کمان با خود دارد، چون شکارچی است. استقلال و خودباوری، وابسته نبودن به مردان، توانایی در مدیریت و پیگیری اهداف از نقاط قوت آرتمیس است. سفر به سرزمین‌های ناشناخته، زندگی در فرهنگ‌های بیگانه، سفرها و اردوهای زنانه، گردش‌های دسته جمعی در طبیعت و پیوستن به کمپین‌های دفاع از حقوق زنان، کهن الگوی آرتمیس را در افراد پرورش می‌دهد. دمتر نشر می‌دهد که سخت کوشی نتیجه می‌دهد و عشق مادرانه فرزندان سالم به بار می‌آورد. شناخت این کهن الگوها به شناخت بهتر خود و دیگران و برقراری ارتباط بهتر با آنان کمک می‌کند.

کلمات کلیدی: کهن الگو، آرتمیس، دمتر.

مقدمه

کهن الگوها احساسات، غرایز و رفتارهایی هستند که در طول زندگی بشر، بارها و بارها تکرار شده اند و اکنون به صورت الگوهای معمولی رایج رفتاری دیده می شوند. این کهن الگوها برای نشر نور عشق، آگاهی و آرامش و خودشناسی در راه زندگی بهتر کاربرد، دارند. گویند خصوصیات کهن الگوها، خواسته و یا ناخواسته، در افراد بشر وجود دارند؛ کارهایی از جمله تمایل به جنگ و جنگجویی، جستجوگری، تامل در وضع موجود و سرکشی در برابر آنچه را باب میل نیست، که در وجود نخستینه هایی مانند زئوس، دمیتر، هرا، هستیا بوده است، و شینودا، از آن ها نام می برد، دیده می شوند. جین شینودا بولن که از شاگردان و پیروان کارل گوستاو یونگ سوئیسی است، بر اساس نحوه نگرش و تفکر استاد خود که برای اولین بار به جستجو در روان انسان ها پرداخت و کهن الگوها را در روانشناسی به کار گرفت تا از این طریق به رفتار انسان ها بپردازد، در کتاب های خود ۷ کهن الگوی زنانه و ۸ کهن الگوی مردانه که برگرفته از خدایان یونان باستان هستند، را نام می برد. هر کهن الگو می تواند منبعی برای شکلگیری یک تیپ شخصیتی باشد. این آرکی تایپ ها عبارتند از: آرتیمیس، آتنا، آفرودیت، دمیتر، هرا، هستیا، پرسفونه، که کهن الگوهای زنانه و زئوس، پوزیدون، هادس، هفائستوس، هرمس، آپولو، آرس، دیونوسوس از کهن الگوهای مردانه بر اساس نگرش یونانیان باستان و منبع ایلید و ادیسه هومر که نخستین اثر اساطیری و حماسی یونانیان محسوب می شود، نام برده شده اند. در این زمینه از کهن الگوی آنیما و آنیموس نیز، یاد می شود. آرکی تایپ ها یا الگوهای رفتاری که انسان با کمک آن ها جهان را درک کرده و با آن ارتباط برقرار می کند، غیرشخصی هستند و در ناخودآگاه جمعی همه انسان ها وجود دارند. کهن الگوها هر کدام ویژگی های خاص خود را دارند که از طریق روش های رفتاری هر کدام، هر فرد از راه خود شناسی به خداشناسی می رسد. منظور از خودشناسی، آگاهی به قدر و منزلت آدمی است. یعنی انسان ارزش، اندازه و قابلیت خود را درک کند و از این رهگذر به نقش خود در هستی، آگاه شود و آن گاه از سطح غریزه ها برتر آمده و به حد تأمین نیازهای معنوی برسد. مقایسه وضعیت انسان با جانداران دیگر نشان می دهد که قابلیت ها و سرمایه های آدمی بسیار شگفت انگیز است. همان گونه که نیازهای او نیز فراوان و متنوع است، مانند: نیاز به عبادت، که نشانه روح بلند و متعالی اوست. نیاز به یقین، که نشانه تعقل و تفکر اوست. نیاز به آزادی، که نشانه اراده و قدرت انتخاب اوست. و نیاز به آرامش و رضایتمندی، که نشانه وجدان و فطرت پاک اوست. گستره نیازها و استعدادها فراوان است. خودشناسی یعنی فراتر رفتن از خویش و رسیدن به خود واقعی و دنیای حقیقی، در تمایل هر فرد سالمی هست. اگر انسان بتواند با کمک خداشناسی و خودشناسی به درک حقیقی از جهان خلقت برسد، راه کمال را جست، از دنیای فانی دل کنده و مشتاق به عالم ماورا می شود. در روایت ها آمده است: هر که خود را شناخت، خدای خود را می شناسد. خودشناسی غایت و نهایت شناخت هاست که به شناخت خداوند می رسد. در کلام راهنمایان نیز، آمده است که خداشناسی و خودشناسی سودمندترین علوم است و برترین حکمت ها و سودمندترین شناخت ها، زندگی را راحت می سازد. خودشناسی جنبه اعتقادی دارد و برای تهذیب نفس و برقراری ارتباط معنوی با خدا بسیار مفید و راهگشا است. در واقع این نوع خودشناسی مقدمه خودسازی اخلاقی است. در این شناخت خود فرد با جنبه های قوت و قدرت خود، یعنی فطرت سلیم، عقل، دل و بینش آگاهس ساز و نیز، ویژگی های بازدارنده و ضعف خود یعنی خودخواهی و تکبر آشنا می شود و از جنبه های قوت خود کمک می گیرد تا بر صفت های بدش غلبه کند. نخست، برای انسان، در مسیر خداشناسی و خودشناسی، مطرح می شود، از کجا آمده است؟ آگاهی و شناخت انسان از چگونگی خلقت و جایگاه خویش که هم استعداد ترقی و رشد در او وجود دارد و هم امکان انحراف و طغیان، باعث می شود دست به انتخاب صحیح بزند. با توجه به این که بعضی نشانه ها دلالت بر عظمت انسان دارد و او را برگزیده و خلیفه خداوند و مسجود فرشتگان بر می شمرد، ولی، نشانه هایی دیگر آدمی را ضعیف، عاجل و حریص توصیف می کند، آدمی نیاز دارد، بداند کیست. این خودشناسی، شناخت استعداد و توانایی یا خودشناسی خلقتی است. خودشناسی خلقتی مقدم بر خداشناسی و خداشناسی مقدم بر خودسازی است. انسان پس از آگاهی از سرآغاز و مرحله اولیه سیر وجودی خود می تواند به معرفت آفریننده خود دست یابد، زیرا، انسان وقتی خود را موجودی ضعیف و حقیر دانست و وابستگی خویش را به قدرتی لایزال احساس کرد، راهی به سوی معرفت خدا فراروی او باز می شود. بنابراین خودشناسی از این جهت مقدمه و زمینه ای برای خداشناسی است. این دو پشتوانه اطلاعاتی، یعنی شناخت خود و خدا، توشه راه انسان در وضعیت کنونی است و او را برای خودسازی آماده می کند. ولی، زمانی خودشناسی ضامن خودسازی خواهد بود که با شناخت مرحله سوم، سیر وجودی یعنی معاد و سرانجام زندگی، کامل شود. یکی دیگر از موضوع های مهمی که در خودشناسی و ارتباط و تقرب به خداوند نقش دارد، جاودانگی است، یعنی انسان دوست دارد که به حیات جاودان برسد، زیرا، انسان از مرگ ترس دارد، خیال می کند که با مرگ، زندگی اش به پایان می رسد. برای او زندگی از هر چیزی عزیزتر است و بالاتر از این آرزوی رسیدن به حیات ابدی است و این مهم در اطاعت خداوند و با خداشناسی و خودشناسی رقم می خورد. از این رو، انسان برای شناخت خدا به کمک شناخت

روح، نیاز پیدا می کند. انسان از سه بخش جسم، روان و روح تشکیل شده است. روح هسته مرکزی وجود انسان و جوهره اصلی اوست و از حضرت حق منشا گرفته است، و به سوی او نیز باز خواهد گشت. جسم ابزار و وسیله‌ای است که در مدت کوتاه زیستن در عالم فیزیکی در اختیار می‌باشد و امانتی بیش نیست. روان، بخش حد میان جسم و روح است. ماهیت جسم و روح بسیار متفاوت می‌باشد، جسم زمینی و روح آسمانی و تفاوت آنها به معنای واقعی زیاد است. برای همین تفاوت هاست که به راحتی نمی‌توانند کنار هم قرار گیرند، مگر آنکه چیز سومی به عنوان ربط دهنده بین آنها قرار گیرد که همان روان می‌باشد. برخی اعتقاد دارند روان حاصل روابط و تاثیرات متقابل جسم و روح می‌باشد. گمان می‌رود آن خودشناسی که منتهی به خداشناسی می‌شود، همان شناخت روح باشد.

بر جهان تکیه مکن، و ر قذحی می، داری
شادی زهره جبینان خور و نازک بدنان

انگیزه های شادی بخش و نشاط آور زندگی را لذت بخش می سازند. قناعت، آزادگی، امید، دوری از حسادت، معنویت، سحرخیزی، خویشتنداری، مهرورزی به دیگران، شکیبایی، دوراندیشی، رضایتمندی، وقت شناسی، چیرگی بر عادات، بی‌نیازی از مردم، دعا و خوش‌اخلاقی، از عوامل درونی برانگیزاننده های اجتماعی شادی می باشند.

تنت به ناز طبییان نیازمند مباد
وجود نازکت آورده گزند مباد

سلامت همه آفاق در سلامت توست
به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد

ویژگی های کهن الگوی آرتمیسیس، دمتر

در کهن الگوها، خدایان اولیه موجوداتی هستند که همه نسل جهان را به وجود آورده اند. این خدایان در ابتدا شامل: کروئوس، خدای زمان؛ اربوس، خدای تاریکی؛ گایا، مادر زمین؛ هیرا، الهه نور؛ نیکس، الهه شب؛ اورانوس، ارباب آسمان؛ فانس، مظهر تولید مثل؛ پنتوس، مادر زندگی دریایی؛ تارتاروس، که به جهان زیر زمین تعلق دارد، بودند. بعد از اینها، تیتان ها که با نام خدایان قدیم، شناخته می شوند، پیدا شدند. و فرزندان گایا و اورانوس خوانده می شدند. این تیتان ها با خدایان اولیه که در زمان کروئوس جنگی میانشان شکل گرفت، شکست خوردند و گویند شکل دهنده نژاد مردم اینها هستند. تیتان ها شامل: تیتان اطلس، نگهدارنده عالم؛ اورا، تیتان نسیم؛ کروئوس، پادشاه تیتان ها؛ هلیوس، خدای خورشید؛ منموسین، الهه خاطره؛ اوشنوس، خدای آب ها؛ پرسس، خدای صلح و غرور؛ فایب، تیتان پیش گوئی؛ پرومتئوس، خدایی که نژاد بشر را ایجاد کرده است؛ سلنه، نشان ماه؛ استوکس، خدای نفرت و تمیس که تیتان ثبات، قانون و نظم جهان است. بعد از تیتان ها، غول ها ساکن شدند، مانند غول آنتائوس که هر کس به سرزمین او وارد می شد او را می کشت. گریون، غولی با سه بدن، شش پا، دو جفت یال و دمی که به شکل مار بود. اوریون، غولی شکارچی بود و بعدها به ستاره تبدیل شد. پورپیون، حاکم غول ها بود. طلوس، غولی بسیار بزرگ که یک جفت بال داشت. تیبوس، غولی که به زنان آسیب می رساند و به وسیله آرتمیسیس و آپولو کشته شد. تیفون، غول طوفان بوده است. علاوه بر این چهار دسته از موجودات باستانی در باور یونانیان باستان مردم نیز، خدایان مختلفی داشته اند که هر فرقه ای خدای ویژه داشته است. خدایان زمینی، خدایان دریایی، خدایان آسمانی، خدایان سلامتی و باروری و الهه های مختلف بوده اند که بیشتر به وسیله روستائیان و کشاورزان پرستش می شده اند. در اساطیر یونان غلبه بر ترس و وحشت کار پرستش را رواج می داده است، که کاهنان و جادوگران از این گونه پندارها بهره می برده اند؛ و با ساختن معابد، تلاش معاش می کرده اند. آرتمیسیس، الهه شکار در یونان باستان است که تیر و کمان نماد اوست. در روم باستان او را دیانا می خوانده اند. او بزرگترین فرزند زئوس و لتو و خواهر دوقلوی آپولو، خدای خورشید و هنر بود. زئوس، خدای خدایان المپ نشین مجذوب دخترش شد و خواست آرزوهای او را برآورده کند. آرتمیسیس تیر و کمان، تعدادی سگ شکاری، تعدادی ملازم حوری، یک پیراهن کوتاه برای دویدن در صحرا، توانایی انتخاب و سرانجام باکرگی جاودانه را از پدر درخواست کرد و پدر، همه خواسته هایش را پذیرفت. آرتمیسیس از شادی، همان شب به شکار رفت و خدابانوی شکار نام گرفت. او الهه ماه نیز، بود. قلمرو او طبیعت زنده و جاری بود. او شب ها، در حالی که مشعلی در دست داشت، در جنگل پرسه می زد و به ماه زیبای بالای سر جنگل فخر می فروخت.

در ازل پرتو عشقت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

جلوه ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت
عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

آرتمیسیس الهه، هیچ وقت ازدواج نکرد و باکره ماند، و با علایق خود چنان نشان داد که شکار و ماه و نماد روح آزاد زنانه است. حس دست نخوردگی و کمال در خود و ذهنیت این که یادآوری می کند: می‌توانم از پس زندگی خود برآیم، که همان شعار خواستن توانستن است، از ویژگی هایی است که به زن فرصت می‌دهد تا آزادانه، مستقل و بی‌نیاز از وجود و تایید مردان عمل کند، و نردبانی برای بالا رفتن مردان نشود. او بی دریغ به کسانی که از او کمک می‌خواهند، یاری می‌رساند و کسانی که او را

آزار می‌دهند، تنبیه می‌کند. در گروه زنان الهه ای که در یونان باستان وجود دارند، دمتر، نماینده حاصلخیزی و نیز، زیبایی است و بدین سبب است که خواستگاران فراوان دارد و بر خلاف الهه آرتمیس که دوست دارد، مجرد باشد و در طبیعت بچرخد، او دوست دارد، عشق ورزی کند. دمتر، دختر کرونوس و خواهر زئوس بود و پیش از زئوس متولد شده بود، قیافه بسیار زیبایی داشت و تنها گیسوان طلایی وی از زیبایی وی می‌کاست. دمتر که رومیان او را با نام سرن می‌خوانند، الهه حاصلخیزی است، که نماد او خوشه گندم است. او زنی بسیار زیباست و در گروه الهه ها، مانند زهره عشق ورزی می‌کند، عشقی که در آن هوس بازی نیست، همچنین او مغرور هم هست ولی، نه به خودخواهی و سختگیری هرا، که متکبر است. اهمیت این الهه در عین آنکه مظهر باروری و حاصلخیزی است، بزرگترین مظهر و نماینده مادر و روح فداکاری است. دمتر، الهه باروری، جوانه، کشاورزی، برداشت و خلاقیت و از آرام ترین خدایان یونان باستان بوده است. او حمل کننده خوشه های ذرت است که حاصل برکت زمین می باشند و نوید شادی و زندگی بهتر را در خود دارند. دمتر زنی بالغ است که با پوشش محکم و حجاب سراسری خود الگو دهی دارد. او همچون آرتمیس دوستدار طبیعت و حیوانات مفید جنگل است. او نماد فرزند دوستی است. او از بدعه‌دی گریزان است و آنجا که زئوس بدون اجازه اش دخترش را به هادس می دهد، بسیار از او می رنجد و هشدار می دهد که زندگی را بر آنان سخت خواهد کرد. و چنین نیز، می کند که در فرجام، با مشورت خدایان و الهه ها، او راضی می شود با دیدن دخترش از فشار خشکسالی کم کند، و برای همیشه قدرت زنانگی خود را به رخ زئوس و خدایان المپ نشین نشان می دهد. دیمیترا نماد مادری است؛ او مادر زمین است، اما نه همه زمین، بلکه ایزد بانوی بخش حاصلخیز زمین است که غذا تولید می کند. بخشی از یک زن چه به عنوان مادر و چه به عنوان همسر و حتی، در محیط کار از دیگران مراقبت کرده و به آنان رسیدگی می کند.

دیمیترا الهه زمین و باروری و نماد میل به زایش و پرورش است. او انرژی بخش زندگی همه موجودات زمین است. الهه دیمیترا بخشنده ترین خدا بانو در میان اساطیر یونان باستان است که در مقام خدایانوی غلات، باعث برکت و فراوانی در طبیعت می‌شود. کهن الگوی دیمیترا سه نقش اصلی دارد: مادر است، یعنی مادر پرسفونه است، روزی دهنده و بخشاینده است، به مثابه خدایانوی غلات، و حافظ قداست و روحانیت است. او بیشتر از دیگر خدایانویان مهربان و پرورش دهنده است. همه این صفت ها باعث می‌شود کهن الگوی دیمیترا برانگیزاننده تمایل شدید به مادر شدن باشد و مهرورزی، فداکاری و بخشندگی به دنبال آورد. کهن الگوی دیمیترا فطرتی قدرشناس و مهربان دارد، و در عین حال محکم و قابل اتکاست و خصلت حمایت گرانه افراطی او باعث فرسوده شدنش می‌شود. این آرکی تایپ از دسته آرکی تایپ های آسیب پذیر است که عشق مادری را حمل می‌کند. متعالی ترین تصویر در ذهن کهن الگوی دیمیترا تصویر شیر دادن مادر به فرزند است. کارایی نداشتن مهرمادری دیمیترا را افسرده می‌کند و در صورتی از آن رهایی خواهد یافت که خدایانوان دیگر از جمله دختر دیمیترا یعنی پرسفونه را بنا بر شرایط در خود فعال کرده و مهر مادرانه دیمیترا را در مورد خودش به کار گیرد. بازگشت الگوی جوانی به افسردگی او پایان خواهد داد و درک می‌کند فردی توانمند با دریایی از آگاهی و درک معنوی است. زمانی که دیمیترا افسرده یا سوگوار باشد، بخش ویرانگر خود را نشان می‌دهد، در این صورت دست از رفع نیازهای دیگران کشیده و به شکلی افراطی همه چیز را از فرزندان و اطرافیان خود دریغ می‌کند؛ مادر دیمیترا این حالت را با حس بی اعتمادی به فرزندان و عدم پذیرش آنان نشان می‌دهد. اگر کهن الگوی دیمیترا در یک زن قوی باشد، آن زن شخصیت به شدت مادرانه ای خواهد داشت و اگر نتواند به کارهای مادرانه خود در زندگی تحقق بخشد، دچار حس پوچی و افسردگی می‌شود. دمتر مادری نمونه است. در مورد دیگران سخاوتمند بوده و به مسائل مرتبط با اطرافیانش اهمیت می‌دهد. علاقه شدیدی به فرزنددار شدن دارد. در روابط خود فداکار، حامی و یاری‌رسان است. فداکار و پایبند به اصول اخلاقی است و همیشه در حال خدمت کردن و رسیدگی به دیگران شاد می‌شود. زن دیمیترا به سادگی به دیگران نه نمی‌گوید و درخواستشان را رد نمی‌کند. زنان دیمیترا، هنگام حمایت از دیگران، چه فرزندان خود باشند، چه کارمندان یا همکاران و هر کسی که نشان دهد به او نیازمند است، احساس رضایت و کمال می‌کنند. اطرافیان و فرزندان زن دیمیترا بیشتر بی مسئولیت بار می‌آیند، چون همیشه به آن‌ها سرویس داده شده و تحت کنترل و مراقبت زن دیمیترا تایپ بوده‌اند. زن دیمیترا بسیار کنترل کننده است و ترجیح می‌دهد دیگران همیشه به او وابسته باشند. زن دیمیترا، معتقد است اگر به فرزندان و اطرافیان خود فضایی برای استقلال بدهد، ممکن است از او دور شوند. شخصی که به شدت تحت تاثیر کهن الگوی دیمیترا است، روزی که احساس کند فرزندانش دیگر به او نیازمند نیستند، احساس پوچی می‌کند. شیر دادن به فرزند، تهیه خوراک و آشپزی برای خانواده، برای زن دیمیترا احساس رضایت ایجاد کرده و او را در حس مادری غوطه ور می‌کند. زنان دمتری، دستپخت خوبی دارند و عاشق مهمان و مهمانی دادن هستند. در جایی که مصلحت فرزندان مطرح باشد لجاجت، بردباری و ایستادگی خصوصیتی است که در این افراد می‌توان مشاهده کرد. این پایداری، از نوع مقاومت در برابر خواسته خود، در زنان آرتمیسی هم وجود دارد. آرتمیس در مقابل عشق مصون است و

دل‌بستگی عاطفی نمی‌تواند مانع پیگیری خواسته‌هایش شود. جنبه باکره بودن آرتمیس به آن بخش از روان زنان اشاره دارد که زیر سلطه و تملک مردان نرفته و از تایید آنان بی‌نیاز است. آرتمیسی تن به ازدواج نداده، اغفال نشده و زیر نفوذ قدرتمندان نمی‌رود. بر مبنای این کهن‌الگو، حس ارزشمندی زن، نه از ازدواج کردن یا همسر فرد خاصی بودن، بلکه، از هویت و اعمال خودش گرفته می‌شود. کهن‌الگوی آرتمیس قدرت درونی به زن می‌دهد که بتواند دور از نیازها و رقابت‌های دیگران بر هدف خویش تمرکز کند. او با جدیت اصول اخلاقی و ارزش‌های خود را دنبال کرده و در رسیدن به خواسته‌هایش محدودیتی برای خود قائل نیست. این آرکی تایپ بدون نگرانی از قضاوت دیگران آن کاری را که دوست دارد، انجام می‌دهد و گاهی همین کار باعث می‌شود هم از عواطف و غرایز خود و هم از رابطه و پیوند با دیگران دور شود؛ این روح متعالی زنانه که در آرتمیس وجود دارد، در دمتر نیز مشاهده می‌شود؛ آنجا که سر تعظیم و تسلیم در برابر خواسته زئوس که فرزندش را بدون اجازه او به دست هادس سپرده است، از خود نشان می‌دهد و اعلام می‌کند که هر آنچه را که خواست مردان خودخواه است، نمی‌پذیرد و استقلال فکری و عشق مادرانه خود را بر همه چیز برتر می‌داند، نشان از کیاست اوست.

ای دل اگر از غبار تن پاک شوی

تو روح مقدسی، بر افلاک شوی

عرش است نشیمن تو، شرم‌ت ناید

کآیی مقیم خطه خاک شوی

کهن‌الگوی آرتمیس، بیانگر ویژگی‌هایی چون رهایی از قید و بند قضاوت مردان، حمایت از مظلومان و کودکان و جنبش‌های زنان است. کهن‌الگوی آرتمیس زنان را از نقش‌های سنتی خود می‌کند و مبارزه اصلی آن‌ها در زندگی احترام و وفاداری به خویشتن و سازگاری با زندگی در دنیای مردان است. کهن‌الگوی آرتمیس نیز مانند کهن‌الگوی دمتر، آتنا و هستیا، نماینده رابطه‌گریزی و استقلال روانی زنان است. این آرکی تایپ انگیزه‌های درونی زنان برای رشد استعدادها، پیگیری علایق، بیان خویش از طریق هنر و شکل‌دهی و هدایت ذهن و تفکر است. او نقش رهبر و خواهر بزرگتر را دارد. اگر او از تحقق و بیان خویش بازماند، مضطرب و افسرده خواهد شد. آرتمیس، مانند دمتر، رابطه‌ای معنوی با طبیعت دارد. آرتمیس گردش در جنگل و طبیعت را نشان نشاط و شادابی می‌داند و دمتر نیز، کشت و کار و آبیاری بر زمین طبیعت را برای باروری و حاصلخیزی آن به کمک باران و نسیم‌های بامدادی آن برپا می‌داند. زنانی که در زندگی با طبیعت احساس یگانگی کرده و همواره به دنبال فضایی برای خویشتن هستند تا از تنهایی و خلوت خود لذت ببرند، با آرتمیس یا دیگر الهه‌های باکره یعنی هستیا و آتنا آشنایی و نزدیکی حس می‌کنند. زنان روستایی و دانایانی که در زمره بینش طبیعت‌گران جای دارند، از کهن‌الگوی آرتمیس، آتنا و هستیا، عشق به زندگی و فرزندآوری را از دمتر و الهه‌های هم‌نوع و همراه او، با آغوش باز به استقبال می‌نشینند. جشن الوزیس یونانیان که هر سال برگزار می‌شود در حکم مراسم حج مسلمانان است. و در آن فقط کاهنه‌ها و دخترانی که در خدمت معبد بودند، شرکت می‌کردند و در قسمت‌هایی از جشن نیز مردانی در مراسم شرکت می‌کردند که آنچه بین این مردان و دختران می‌گذشت جزو رازهای الوزیس بود. این جشن به خاطر اهمیت خاص دمتر بود. هر سال هزاران نفر از سراسر یونان برای حضور در این جشن به آنجا می‌آمدند. در نماد و الگوی دمتر که الهه حاصلخیزی به شمار می‌رود، بخش جفت‌پذیری زن به موضوع زندگی اشاره دارد که می‌گوید: به تنهایی نمی‌توان بار سنگین زندگی را بر دوش حمل کرد و نیاز به همراهی است که وقتی خسته شدی و تاب و توانت کاسته شد از همراهت بخواهی آن بار را بردارد و ادامه دهد تا هر دو در زمان معین و به سلامت به مقصد برسند. دمتر با کوشش خستگی‌ناپذیر و توان اخلاقی و ارزشی که در خود جمع کرده است به دنبال خواسته‌های دخترش بیش از خود است و در این راه تمام کوشش خود را به کار می‌گیرد. این آرکی تایپ از دیگران کمک می‌گیرد تا در شورای خود او را کمک کنند. او از عواطف و غرایز خود در رابطه و پیوند زندگی مشترک به خوبی استفاده می‌کند. مشعلی که او همیشه در دست و به همراه دارد، نماد روشنی بخشی به زندگی است.

دمی با غم بسر بردن جهان یک سر نمی‌آورد

به می‌بفروش دلق ما، کزین بهتر نمی‌آورد

آرکی تایپ آرتمیس معرف شخصیت زنانه مستقل و رها از قید و بند است. در کهن‌الگو، آنیما و آنیموس به هم لطف دارند، یعنی روح زنانه مرد و روان مردانه زن در کارها به هم کمک می‌کنند. او جنگجویی است که با انرژی مردانه‌اش یکی شده و برای پیش بردن زندگی خود نیاز ندارد مردی در کنارش حضور داشته باشد. آرتمیس تایپ‌ها اغلب در میان حامیان حقوق زنان و حامیان محیط زیست دیده می‌شوند. در کهن‌الگوی آرتمیس این نشان‌ها بیشتر نمود دارند: شخصیت به جای برآوردن انتظارات دیگران و پیروزی از آنان، زندگی‌اش را در مسیری هدایت می‌کند که در آن احساس رضایت و کمال کند. در این الگو، شخصیت‌ها، هدف‌گرا، بی‌پروا، هیجان‌طلب، ماجراجو و مستقل هستند و در برابر هجمه مردان کم نمی‌آورند و نقش ضعف و سستی را از خود دور می‌کنند. اینها عاشق طبیعت بکر بوده و در آن غرق می‌شوند، تا به اکتشاف در آن بپردازند. چون در طبیعت با چیزهای غیر قابل پیش‌بینی و انتظار مواجه می‌شوند، سریع عکس‌العمل نشان می‌دهند، از این رو درباره آنان گفته می‌شود خلق و خوی تندی دارند. پرسه زدن در طبیعت آنان را به سوی دویدن می‌برد و بدنی ورزیده و قوی پیدا

می کنند. عاشق آزادی هستند و دوست ندارند هیچ چیز و هیچ کس آن‌ها را محدود کند. به حرف دیگران درباره خود کم توجه هستند. دلسوز، حامی و مهربان هستند و در عین حال می‌توانند خشن و محکم باشند. یکی از ویژگی‌های زن آرتمیسی فاصله گیری عاطفی است، اما در درون ظرفیت‌هایی برای صمیمیت و زیبایی دارد. خلف وعده و رفتار نادرست دیگران، آنان را خشمگین می‌کند. زن آرتمیسی نگاه فمینیستی دارد و با اینکه از زنان ضعیف خوشش نمی‌آید، وقتی ببیند مورد ظلم قرار گرفته اند، واکنش نشان داده و از آنان حمایت می‌کند. حامی حقوق زنان و کودکان هستند. آنان مردان و زنان قوی را تحسین می‌کند. از مردان ضعیف متنفر است و در محیط کار تنها می‌تواند با مردان قوی کار کند. به دیگران وفادار و ناجی است، اما فاقد همدردی و حس ترحم کافی است. قادر است نظرات خود را مطرح کند و تلاش می‌کند به آنچه می‌گوید عمل کند. یک دختر آرتمیسی اغلب با مردان بر سر حقوق زنان کل کل می‌کند. او از مصاحبت با اطرافیان لذت برده و اهداف خود را به اشتراک می‌گذارد، اما در عین حال هویت مستقل خود را حفظ می‌کند. زن آرتمیسی با مرد به راحتی ارتباط برقرار کرده، اما وارد روابط عاطفی نمی‌شود. سنت شکن است؛ ویژگی که در خیلی از جوامع سرکوب می‌شود. نوجوانی او حتی بعد از بزرگسالی در درونش ادامه دارد. شغلی را انتخاب می‌کند که به آن علاقه داشته و نسبت به انجام آن شور و اشتیاق داشته باشد. فکر اقتصادی دارد و در صورت مدیریت محکم رفتار می‌کند. انرژی جنسی او بیشتر متمایل به تفریح و ورزش است تا رابطه جنسی. فعالیت‌های اجتماعی را به کار در خانه ترجیح می‌دهد و تن به ازدواج نمی‌دهد. ازدواج کردن و بچه دار شدن به رغم انتظارات فرهنگی جامعه از نیازهای ضروری آرتمیسی نیستند. اگر به اندازه کافی از طبیعت سیراب نشود، افسرده می‌شود. یک کودک آرتمیسی به ظاهر مانند پسر بچه‌ها رفتار می‌کند، اما او از دختر بودن خود راضی و شادمان است. او لجباز است و حرف خودش را می‌زند و از بچه‌های ضعیف‌تر حمایت می‌کند. از بازی و کاوش در طبیعت لذت می‌برد و از حیوانات مراقبت می‌کند. اگر والدین او مانعی برای انجام کار مورد علاقه‌اش باشند یا او را چون دختر است از کاری بازدارند، اعتراض خواهد کرد و خشمگین خواهد شد. مخالفت با او به اعتماد به نفس و عزت نفس او لطمه می‌زند. اگر مادر او ضعیف باشد دختر آرتمیسی برای اینکه همانند مادرش نباشد آنچه به نظر زنانه می‌رسد؛ همچون لطافت، پذیرا بودن و تمایلات زناشویی را در خود سرکوب می‌کند. نوجوان آرتمیسی شجاع، بااراده، مصمم و رقابت‌جو است و برای خود محدودیتی قائل نمی‌شود. او عاشق کارهایی چون خوابیدن زیر سقف آسمان، گشتن در جنگل، کشف جاهایی که از دید پنهان مانده، کمانگری و اسب و اسب سواری است. نیازی به تایید دیگران ندارد و برای همین کمتر از همسالان خود هم‌رنگ دیگران می‌شود. اطمینان به خود او باعث می‌شود در نظر دیگران کله شق و عاری از زنانگی به نظر برسد. او به دنبال مدرک تحصیلی نیست، ولی، دوران دانشگاه می‌تواند مکانی باشد که انگیزه‌های فراگیری و آموختن را در او زنده کرده و حس آزادگی به او بدهد. او معمولاً در گروه‌های دوستی حضور دارد که مانند خودش هستند و اگر وارد مسائل سیاسی اجتماعی شود خیلی محتمل است که نقش رهبری را بر عهده گیرد. آرتمیسی تایپ‌ها در اکثر رشته‌های تحصیلی می‌توانند موفق باشند. در همه رشته‌های مرتبط با ریاضی و تجربی و رشته‌هایی چون وکالت، مدیریت، روان‌شناسی و روزنامه‌نگاری در علوم انسانی. رشته‌های هنری مثل نویسندگی، کارگردانی، گرافیک و موسیقی و ورزش‌های قهرمانی نیز مناسب آرتمیسی‌هاست. زن آرتمیسی، برای حرفه‌های کوشش می‌کند که برایش ارزش درونی داشته باشد، در این صورت است که رقابت و مخالفت نمی‌تواند مانع کار او باشد. با اینکه استقلال مالی برایش مهم است، اما گاهی علاقه‌اش آنقدر شخصی و متفاوت می‌شود که سبب می‌گردد در روابط و عوامل پیشرفت در دنیای امروز موفق نباشد. با این همه از تلاش و پیگیری خود احساس رضایت دارد. آرتمیسی محل کارش منظم است و انتظار ندارد کسی در ساعت کاری وقت تلف کند. همه را به کار فرا می‌خواند و مردان در محل کار از او حساب می‌برند. زن آرتمیسی اگر دیگر کهن‌الگوها را در خود پرورش ندهد، ممکن است دچار بحران میانسالی شود. در این دوران در رسیدن به اهدافش یا موفق بوده و یا با شکست مواجه شده است، در هر صورت میانسالی موجب تحول درونی در او شده و این بار آرتمیسی نه به عنوان الهه شکار که در مقام ایزدبانوی ماه او را به درونگری متمایل می‌کند و می‌تواند احساسات و تمایلات طرد شده خود را بیابد. یک آرتمیسی تایپ در دوران کهنسالی هم تحرک جوانی خود را حفظ کرده و به همین دلیل خیلی خوب با جوانان همفکری و همراهی می‌کند. او در میانسالی هم تمایل دارد به جاهای مختلف جهان سفر کند. آرتمیسی نسبت به همجنسان خود حس خواهرگونه دارد و دوستی با زنان دیگر را مهم می‌داند؛ دوستی‌هایی که می‌تواند سال‌ها دوام داشته باشد. بیشتر آرتمیسی تایپ‌ها به طور معمول، فمینیست هستند و خیلی احتمال دارد که به گروه‌های حمایت از زنان پیوسته یا در این زمینه فعالیت کنند که نشان دهنده کهن‌الگوی خواهر در زن آرتمیسی است. زن آرتمیسی با اینکه از زنان ضعیف متنفر است، ولی، از آنان در مقابل مردان دفاع می‌کند. زن متأثر از کهن‌الگوی آرتمیسی همیشه کوشش می‌کند با مردان رقابت کرده و برتری خود را ثابت کند. او از کل کل کردن با مردان و نشان دادن برتری خود بر آنان، لذت می‌برد. یک آرتمیسی خالص در رابطه با مردان نمی‌تواند بعد زنانه خود را نشان دهد. او خود را با مردان برابر می‌داند و کلیشه‌های جنسیتی را پس می‌زند و افکاری چون هوش خود را

پنهان کن یا بگذار مرد برنده شود، هرگز با طبیعت او سازگار نیست. آرتمیس تایپ ها از مردان سلطه گر خوششان نمی آید، سربلند هستند و هرگز حاضر نیستند، نقش زن فرمانبر را برای مرد بازی کنند. روابط زن و مرد از گونه روابط مادر پسری را نیز، نمی پسندند. آنان به مردانی که مدام سعی می کنند برای زنان جلب توجه کنند هم علاقه ای نشان نمی دهند. آرتمیس خواهر دوقلوی آپولوست و مردان آپولویی، می توانند دوست، همکار یا همسر آرتمیس باشند. مردانی که طبیعت زیباشناسانه داشته و به موسیقی و خلاقیت گرایش دارند، برای آرتمیس جذابند. فعالیت های مشترک ورزشی در طبیعت نیز جزئی از رابطه آرتمیس و آپولوست. برای بیدار شدن تمایلات جنسی آرتمیس، لازم است تا کهن الگوی آفرودیت در او فعال شود و حضور آرکی تایپ هرا، کمک می کند، ازدواجی متعهدانه و تک همسری داشته باشد. آرتمیس رابطه با مردان مهربان و حمایتگر را نیز، دوست دارد. چنین مردانی لطافت را در آرتمیس زنده کرده و دوست دارند از او بچه داشته باشند. زنان آرتمیس تایپ همچنین دلباخته مردان قوی می شوند، اما اگر نتوانند حس رقابت جویی خود را کنترل کنند رابطه شان دوامی نخواهد داشت. اگر زن آرتمیس در رابطه ای نامناسب قرار بگیرد که همسرش همان نقش پدرش را در زندگی او بازی کند و نه تنها او را در رسیدن به اهدافش یاری نکند، بلکه با انتقاد نیروی او را تحلیل دهد، باعث می شود آرتمیس ستیزه جویانه رفتار کرده و روانش از درون شکسته شود؛ در نهایت ممکن است به همان زنی تبدیل شود که خواست شوهر بوده است. شاید آرتمیس فاقد روابط عاطفی صمیمانه و متعهدانه در زندگی خانوادگی باشد، اما روابط خواهر و برادرانه ای با اطرافیان خود دارد. او رابطه خوبی با کودکان برقرار کرده و با آنان خوش می گذراند. مرد با اعتماد به نفسی که نشان دهد برای زن آرتمیس سودمند است، از اهداف و برنامه های خود بگوید، محکم و شجاعانه حرف بزند، مدافع برابری حقوق زنان و مردان باشد، به توانایی های آرتمیس اعتماد داشته باشد و با زنان با احترام برخورد کند، می تواند زن آرتمیس را جذب نماید. از این رو، مرد خواستار زن آرتمیس، باید با لحن تند و واکنش های ناگهانی آرتمیس کنار بیاید. به طور کلی مردانی که از استقلال شخصیت، ویژگی های متفاوت و غیر کلیشه ای زنان، اصالت، پاک و یگانگی با طبیعت را دوست دارند جذب زن آرتمیس می شوند. آرتمیس نوعی جذابیت جنسی غیر شخصی دارد که ناشی از نیمی زیبایی و نیمی سردی خدابانوی ماه است که برخلاف بی اعتنائی مشهود در او و عاطفه سردش، مردان را تحت تاثیر قرار می دهد. آرتمیس تایپ ها معمولاً تن به ازدواج نمی دهند. آنان مجرد می مانند، چون نمی خواهند آزادی شان محدود شود و بیشتر درگیر آرمان ها یا حرفه خود هستند. اگر ازدواج کنند معمولاً ازدواجشان دوستانه و غیر جنسی است مگر، اینکه سایر کهن الگوها را در خود فعال کرده باشند. اولین خدایی که خواستار دیمیترا شد پوزئیدون بود که مدت ها در در گوش او زمزمه عاشقانه خواند اما، دمتر حاضر به تسلیم در برابر او نشد. دمتر برای در امان ماندن از شر او به آکاری گریخت و به صورت اسبی در آمد و جزو اسب های اصطبل شاه شد. پوزئیدون وقتی که جای او را یافت، خود را به شکل اسبی در آورد و با او در آمیخت و حاصل این آمیختن اسبی شد که مثل آدم حرف می زد و دستهایش به شکل انسان بود. دیمیترا بعد از ناتوانی در برابر حراست از خود، به غاری دور دست پناه برد و خود را در چشمه لاون شست و سپس بعد از پاک شدن از بدسگالی پوزئیدون به اولمپ بازگشت. اندکی بعد زئوس، خدای خدایان به او چشم طمع دوخت. دیمیترا در برابر او نیز مقاومت کرد اما، زئوس خود را به صورت گاو وحشی در آورد و با او در آمیخت و کورثا متولد شد. اما خود دیمیترا نیز، از حرارت عشق عاری نبود. او یکبار عاشق یازیون یکی از پهلوانان شد و در کشتزاری خود را تسلیم او کرد و از او صاحب فرزندی بنام پلوتوس شد. زئوس، نیز، از روی حسادت او را با صاعقه تبدیل به خاکستر کرد. زن آرتمیس چه به خاطر تغییر شکل در اندامش، چه به خاطر نداشتن حس غریزی مادری از حاملگی متنفر است، مگر اینکه کهن الگوی دیمیترا را در خود پرورش دهد. او از اینکه فرزندی نداشته باشد، ناراحت نمی شود، اما بچه ها را دوست دارد و اگر بچه دار شود مادر خوبی خواهد بود. کهن الگوی آرتمیس ناجی و حمایتگر است و همین حمایتگری را برای فرزندان نیز داشته و تا پای جان از آنان دفاع می کند، در عین حال استقلال و خودکفایی را در آنان پرورش می دهد.

به راه بادیه رفتن، به از نشستن باطل و گر مراد نیابم، به قدر وسع بکوشم

در کهن الگوی دیمیترا، زنان دمتری در طول زندگی خود، علایق مشابهی با علایق مادر خود نشان می دهند. کمی که بزرگتر شدند، اغلب مسئولیت مراقبت از بچه های اطرافیانشان را قبول می کنند. اگر در گروه زنان دیمیترا، کهن الگوهای دیگر همچون هرا، که نماد کهن الگوی ازدواج، است و یا آفرودیت، که اسوه ای از کهن الگوی عشق، است، در آنان فعال نباشد، تمایلی به تجربه جنسی زودرس ندارند. با این حال، اغلب دیمیترا ها زود ازدواج می کنند و بیشتر از اینکه به فکر ادامه تحصیل یا کار باشند، مشتاق تشکیل خانواده اند. دیمیترا در صورت ادامه تحصیل، ترجیح می دهد در رشته های خدماتی مانند پرستاری تحصیل کند. او جاه طلب و به دنبال کسب نمرات عالی نیست. رتبه اجتماعی چندان برای او اهمیت ندارد. او در دوران تحصیل یک همکلاسی و دوست یاری رسان است. کهن الگوی دیمیترا زنان را برای پذیرش حرفه های خدماتی و پرورشی مانند معلمی، پرستاری، توانبخشی، خدمات اجتماعی و کاربردی توانمند می کند. آن ها عاشق این مشاغل هستند و در

آن به خوبی پیشرفت می‌کنند، زیرا با مهرورزی و خدمت به دیگران احساس رضایت می‌کنند. خیلی از آن‌ها به صورت داوطلبانه در مدارس، مهدکودک‌ها، خانه‌های سالمندان و بیمارستان‌ها کار می‌کنند. مسئولیت‌ها و جایگاه‌های بالای شغلی نیازهای آنان را ارضا نمی‌کند. آن‌ها به محیط کار به شکل عاطفی نگاه کرده و قوانین سخت و شرایط محیط کاری، گاهی برایشان ناراحت‌کننده است. رابطه‌شان با همکاران مثل فرزندان یا اعضای خانواده خود است؛ با آن‌ها همدردی کرده و از آن‌ها حمایت می‌کنند. در جایگاه یک مدیر، رفتار یک دیمیتری باعث می‌شود، کارمندان زیر دستش از او انتظار داشته باشند که همیشه حامی آن‌ها بوده و از منافع آن‌ها محافظت کند. یک دیمیتری ممکن است در میانسالی به خاطر بزرگ شدن و مستقل شدن فرزندان، دچار احساس از دست دادن و تنهایی شدید شود. تعداد دیمیتری‌هایی که در میانسالی بچه دار می‌شوند، زیاد است. در پیری برخی از آن‌ها بسیار خرسند، فعال و مورد احترام دیگران هستند. آنان آموخته‌اند که کمتر اجازه دهند از آن‌ها سوء استفاده شود و به آن‌ها وابسته شوند. بر اثر تجربه، در فرجام، استقلال و احترام متقابل را در فرزندان خود ایجاد کرده و مورد ستایش فرزندان و نوه‌های خود قرار دارند. گروهی دیگر غمگین و تلخکام هستند، زیرا، حس می‌کنند در طول زندگی مورد ظلم قرار گرفته و آرزوهایشان برآورده نشده است. کهن‌الگوی دیمیتر هرگز یک زن را در رقابت با زنان دیگر برای به دست آوردن یک مرد قرار نمی‌دهد. آن‌ها تنها به فرزند داشتن زنان دیگر حسادت کرده و فرزند داشتن همسن و سال‌هایشان در حالی که آنان کودکی به دنیا نیاورده باشند، در آن‌ها احساس حقارت ایجاد می‌کند. دوستی‌هایشان با زنان شبیه به خودشان پایدار است و بیشتر از اینکه به همسرشان تکیه کنند، از لحاظ عاطفی و مالی به دوستان مانند خودشان تکیه می‌کنند. با دختران خود رابطه نزدیک دارند و اغلب ساختار مادرسالارانه بر خانواده حاکم است. این کهن‌الگوی زنانه، مردان را برای ایجاد حس امنیت می‌خواهد و این امنیت در نتیجه توجه مرد به خانه و خانواده، بچه‌دار شدن و پرورش فرزندان اهمیت پیدا می‌کند. اغلب مردان را به شکل پسرپچه می‌بینند و گاهی از روی ترحم و نگاه مادرانه به یک مرد نزدیک می‌شوند. مردان حساس، نابالغ و خودشیفته‌ای که فکر می‌کنند تنها نشان آن‌ها را درک کرده و از بی‌مسئولیتی‌های آن‌ها می‌گذرد، در الگوی مادر کبیر - پسر شیفته، با زنان دیمیتری در رابطه قرار می‌گیرند. از آنجا که در رد خواسته‌های دیگران ناتوان‌اند، احتمال اینکه طعمه مردان سودجو شوند، بسیار است؛ مردانی که به راحتی، فداکاری‌های زن دیمیتری را فراموش کرده و فاقد حس قدردانی و حمایت هستند. مردان ستیزه‌جو به خاطر نقطه ضعف دیمیتری در ناتوانی از نه گفتن، از این زنان سوء استفاده کرده و ارتباط با آن‌ها این زنان را دچار مشکلات مالی و عاطفی می‌کند. مردانی که در پی الگوی مادر هستند، نیز، به سمت زنان دیمیتری جذب می‌شوند. آنان همسر مهربان، مراقب و فداکار را می‌پسندند که مانند مادر، خوراک و پوشاک آنان را آماده کرده، مواظب سلامتی آن‌ها بوده و برنامه‌هایشان را سامان دهند. شخصیت مرد خانواده که خود بالغ و ایثارگر است، به خوبی برای زوج شدن با زن دیمیتری مناسب بوده و در آرزوی آن است. بچه‌دار شدن مهمترین انگیزه زن متأثر از کهن‌الگوی دیمیتر برای ازدواج است. بارداری برایشان زیباست و گاهی با همسر خود نیز، مانند فرزندان خود رفتار می‌کنند. امیال جنسی برای دیمیترتایپ چندان اهمیت ندارد و نسبت به آن ذهنیتی عفیفاانه دارد. شخصیت قوی، صمیمی و مهربان او یک آغوش گرم فراهم می‌کند و رابطه جنسی را نیز، پاسخی به نیاز و خواسته همسر خود می‌داند. برای برخی از آنان شیر دادن به فرزندان از رابطه جنسی لذت‌بخش‌تر است. قوی‌ترین رابطه برای کهن‌الگوی دیمیتر، پیوند مادر و فرزند است. او به راحتی نمی‌تواند فرزند همسر خود را بپذیرد و نیاز دارد خودش کودکی به دنیا بیاورد. آنان خود را مادر نمونه می‌دانند که تنها آرزویشان سلامت فرزندان‌شان است. فرزندان در ابتدا از لحاظ جسمی به مادرشان وابسته‌اند، با بزرگتر شدن نیاز به حمایت عاطفی و فکری مادر دیمیتری خود دارند و سرانجام، در شرایط آندوه و نامیدی در زندگی دانایی مادر دیمیترتایپ به کمک آنان می‌آید. یکی از اضطراب‌های دائمی آنان ترس از دست دادن فرزند یا روده شدن آن است و به همین علت، فرزندان خود را محدود می‌کنند. مادر دیمیتری خود را مسئول هر اتفاق ناخوشایندی می‌داند که برای فرزندانش رخ می‌دهد. از خودش توقع آگاهی از همه چیز و توانایی پیش‌بینی هر حادثه‌ای را دارد که ممکن است برای فرزندانش پیش بیاید. دیمیترهای افراطی به شکلی با فرزندانشان رفتار می‌کنند که گویی بند ناف کودک از لحاظ روانی بریده نشده است. این مادران نمی‌توانند به فرزندان خود، نه بگویند و باعث می‌شوند آن‌ها ناسازگار و متوقع بار بیایند. بیشترین دلیل اهمیت دیمیتر الهه به خاطر جنبه مادرانه وی است، او به دخترش کورنا علاقه خاص و شدیدی داشت. یک روز کورنا با همبازی‌های خود مشغول بازی بود و گل می‌چید. وقتی او گل زیبایی دید به طرف آن دوید، وقتی دستش را دراز کرد تا آن را بچیند، هادس، ارباب دوزخ از آن بیرون آمد و دختر جوان را به داخل قلمرو خود کشید. دمتر از دامنه اولمپ فریاد‌های دخترش را شنید و فهمید که به خطری دچار شده است ولی، هیچ کاری از دستش بر نمی‌آمد. آندوه فراوانی قلبش را فرا گرفت با مشعلی که در دست داشت، روزها همه تاریکی‌ها را به دنبال دخترش می‌گشت. سرانجام از هلیوس که نیم‌خدایی بود، کمک خواست. هلیوس گفت که تقصیر با هادس نیست، زیرا، ژئوس مدتهاست که وعده زناشویی با کورنا دخترش را به او داده است و او فقط نامزدش را به قلمرو خود برده است.

از بتان آن طلب ار حسن شناسی، ای دل
 کاین کسی گفت که با علم نظر بینا بود

با شنیدن این خبر دیمتر تصمیم می گیرد دخترش را بازگرداند. دمتر از اولمپ قهر کرد و رفت و به شکل پیر زنی در آمد و در راهی نشست، که به حیرانی ختم می شد، زیرا، نمی دانست به کجا می رود. ناگاه، چهار خواهر که برای آوردن آب به سر چشمه رفته بودند، تا از مظهر آب، آب و روشنایی به خانه آورند، او را دیدند و از او پرسیدند که او کیست و در اینجا چکار می کند؟ دمتر که نور امیدی یافته بود، به آن دختران جوان گفت که از ترس برده گرفته شدن به دست دزدان دریایی به آنجا پناه آورده است. دختران کم تجربه حرفش را باور کردند، تا پیروان کهن الگوی تیپ شخصیتی دیمتر در گذر زمان با تجربه آموزی، روح و روان خود را کمال بخشند. دختران جوان به او ترحم کردند و او را به خانه شان بردند و مادرشان نیز، از او به خوبی استقبال کرد. آنها برای پذیرایی به او شراب و عسل دادند ولی، او از خوردن آن امتناع کرد و در عوض آبجو و نعنای خواست که آنها نیز، برایش آوردند. دمتر برای سپاسگزاری از میزبان خود، کودک کوچک پیرزن را برداشت و در آغوش گرفت، با این کار زن و دختران و کودک خوشحال شدند. دمتر هر روز کودک را با روغن بهشتی تدهین می کرد و شب و او را به درون آتش فروزان می گذاشت و به این وسیله می خواست آن پسرک جوانی جاودان بیابد. ولی، یک شب وقتی مادر کودک صحنه را دید، ترسید و بر سر دمتر فریاد کشید و دمتر نیز، چهره واقعی خود را نشان داد و سپس از آنجا رفت. سپس آنها در آنجا عبادتگاهی برای دمتر ساختند. دمتر در ادامه حرکت و زندگی خود، به قصر کلتوس پادشاه الوزیس رفت و پرستار نوزاد او شد، در همان جایی که سال ها بعد، در آنجا معبد دمتر بر پا شد و هر سال به خاطر او جشن می گرفتند. دمتر هر کجا می رفت، فن بهتر زندگی کردن را به مردم یاد می داد. مدت ها قبل دمتر فن شخم زنی را به پسر آموخته بود و همه مردمان جهان را با فن شخم زنی و خرمکوبی آشنا کرده بود. وقتی دمتر به الوزیس رفت، تصمیم گرفت نسل مردمان را از بین ببرد تا زئوس فرمانروا نباشد. قحطی و خشکسالی همه جا را فرا گرفت، مردم از روی ناچاری به جانب خدای خدایان رفتند. زئوس، ابتدا دخترک خوش زبانی را برای راضی کردن دمتر فرستاد ولی، دمتر به او گفت تا دختر خود را پس نگیرد، هیچ میوه و گندمی را روی زمین نخواهد رویاند. زئوس، هرمس را به دوزخ فرستاد تا به هادس پیغام دهد که دخترش کورثا را باز گرداند و هادس نیز، قبول کرد. هادس، قبل از باز گرداندن کورثا چندین دانه انار به او خوراند که در یونان مظهر زناشویی شد و این خاصیت را القا می کرد که زن و شوهر جدایی ناپذیرند و ازدواج آنها به صورت مقدس است. پس از اینکه دمتر، دخترش کورثا را پس گرفت، حاصلخیزی را به زمین باز گرداند و علم خدایی خویش را به پادشاهان و مغان آموخت و رازهای الوزیس را به کاهنان معبد خویش داد. کورثا از این به بعد به نام پرسفونه با خرمی در کنار مادر خود در اولمپ زندگی کرد و هرگاه او برای دیدن شوهرش به زیر زمین می رفت، خشکی و سردی همه جا را فرا می گرفت. و چون بهار می شد پرسفونه بازمی گشت تا در کنار مادرش شاد باشد و شادی را هدیه کند.

دوستان وقت گل آن به، که به عشرت کوشیم

سخن اهل دل است این و به جان بنیوشیم

جنبه های منفی کهن الگوی آرتمیس، دمتر

مهمترین نقاط ضعف یک آرتمیس تایپ را می توان رفتار تحکمی و واکنش های هیجانی و ناگهانی در برخورد با دیگران و توجه نکردن به بعد زنانگی و عواطف مرد مقابل خود دانست. بیشتر مشکلات آرتمیس بیشتر باعث آزار اطرافیانش می شود تا خودش. آرتمیس به شکل گیری ساختار شخصیت یک زن کمک می کند و او را وامی دارد که علائق و خواسته هایش را پیگیری کند. اگر نتواند خواسته های خود را محقق کند و از بیان خودش بازماند، مضطرب و افسرده خواهد شد. یکی از خصوصیات کهن الگوی آرتمیس تعقیب و شکار است و از همین جهت به مردان تمایل دارد، ولی، زمانی که مرد بخواهد با او رابطه ای عاطفی داشته باشد، تمایلش به مرد و هیجان تعقیب و شکار در او از بین می رود. آرتمیس باید بتواند ارزش عشق و وابستگی را بیاموزد. او خشمی ویرانگر دارد که جهت آن به سمت مردانی است که او را تحقیر کرده و در مقام یک زن بی ارزش بشمارند. او باید پیش از آنکه بخش ویرانگر همه وجودش را در بر گرفته و باعث آزار دیگران و نابودی روابطش شود، به آن آگاه شده و تواضع را به او بازگرداند. یکی از عناوین کهن الگوی آرتمیس، دوردست یا به نوعی دوراندیشی است که نشان دهنده فاصله گیری عاطفی اوست. در واقع او چندان متوجه احساسات اطرافیانش نمی شود. لازم است بیشتر به نظرات دیگران توجه کرده و آگاهانه ارتباط برقرار کند. اگر یک آرتمیس تایپ اعمال دیگران را با ترازوی سیاه و سفید خود بسنجد، می تواند یک مجازات کننده بی رحم باشد. گذر زمان و تجربه، ضعف و آسیب پذیری، حس همدلی را در او تقویت کرده و شخصیت بی رحم او را نرم می کند. تمرکز او بر نجات زنان از مردسالاری، می تواند باعث شود، ویژگی های مثبتی که سنت زنانه هستند، مانند: مراقبت، پذیرا بودن، فداکاری و داشتن روابط و پیوند با دیگران را قربانی کند. جوهره کهن الگوی دیمتر، این است که در نه گفتن به دیگران ناتوان است. زن آرتمیسی، فرزندان وابسته و غیرمستقل بارمی آورد. زن آرتمیسی در هر کاری دخالت

می‌کند. رشد استقلال دیگران او را مضطرب می‌کند. آرتمیسی‌ها، به طور معمول احساسات و خواسته‌های خود را نادیده می‌گیرند، اگر صلاحیت‌هایشان نادیده گرفته شود، ناراحت می‌شوند. برای یک زن آرتمیسی، پرورش دیگر خدایان به او کمک می‌کند تا علاوه بر عشق مادری، علایق دیگرش نیز، بروز کرده و از ناراحتی‌های ناشی از یک دیمیتری افراطی بودن مصون بماند. از این رو، آرتمیسی‌ها باید سعی کنند هیجانات خود را کنترل کرده و به جای واکنش‌های سریع از تکنیک‌های متقاعدسازی استفاده کنند. بعد زناگی خود را نادیده بگیرند و آن را تقویت کنند. از اینکه گاهی به جنس مخالف نیاز داشته باشند، دوری نکنند. بدانند محتاط بودن و ترسیدن همیشه نشانه ضعف نیست. انتظار نداشته باشند همه آدم‌ها مثل آن‌ها فکر و عمل کنند. استقلال و خودباوری، وابسته نبودن به مردان، توانایی در مدیریت و پیگیری اهداف از نقاط قوت آرتمیسی است. سفر به سرزمین‌های ناشناخته، زندگی در فرهنگ‌های بیگانه، سفرها و اردوهای زنانه، گردش‌های دسته‌جمعی در طبیعت و پیوستن به کمپین‌های دفاع از حقوق زنان، کهن‌الگوی آرتمیسی را در افراد پرورش می‌دهد. برای رشد این کهن‌الگو، زنان آرتمیسی می‌توانند، برای خود هدف داشته باشند و اهداف خود را یادداشت و تکرار کنند. نه گفتن را تمرین کنند. شرایط رشد خود را بدون وابستگی به مردان مهیا کنند. برای لذت بردن از زندگی و خوشبخت بودن، مستقل بودن را یاد بگیرند و منتظر هیچ مردی نشوند. تقویت قوای بدنی با ورزش شکل اصلی خود را پیدا می‌کند، پس ورزش کنند و با سرعت راه بروند. تمرین کنند پیش مردان فرصت برابر به دست آورند. اگر تصمیم به انجام کاری گرفتند، عاقلانه آن را انجام دهند و زود کوتاه نیایند. اگر از روابط پی در پی با مردان دچار احساس بی‌ارزشی می‌شوند، مردان را رها کرده و ایده ازدواج را کنار بگذارند، تا حس یگانگی با خود را تجربه کنند. توانایی‌های فکری خود را برای در زمان حال، تصمیم‌گیری کردن تقویت کنند، مانند دمتر. این موارد برای زنان دیمیتری، اینگونه وصف می‌شود: همیشه فداکاری و ایثارگری بهترین انتخاب نیست. به خواسته‌ها و نیازهای خود اهمیت دادن، بر نشاط و شادابی زندگی می‌افزاید. دلسوزی و مهرورزی حدی دارد. زنان دیمیتری بایستی به فرزندانشان فرصت بدهند، بالغ و مستقل شوند. کارهایی چون آشپزی کردن برای دیگران، کمک به دیگران، نگهداری از بچه‌های اطرافیان و تقویت حس مسئولیت در مورد کارها و مشکلات دیگران، می‌تواند دیمیتر خواب را بیدار کند.

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافرست رنجیدن

نتیجه‌گیری

خودشناسی یعنی فراتر رفتن از خویش و رسیدن به خود واقعی در سرشت هر آدمی وجود دارد. انسان با خودشناسی می‌تواند به خداشناسی و درک حقیقی از جهان آفرینش برسد. از این سبب است که گفته شده است: هر که خود را شناخت، خدای خود را می‌شناسد. هر علمی نفعی دارد و فایده دانش روانشناسی نیز چنین است که آدمی با شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات ذاتی و روحی و روانی خود می‌تواند هم خودش در جامعه راحت زندگی کند و هم دیگران را درک نماید و اگر کسی در جایی برخلاف میل و خواسته او رفتاری داشت، بداند که همه آدم‌ها دارای ویژگی‌های مشابه نیستند و بیش و کم با هم تفاوت دارند. البته، هر کس می‌داند، خودشناسی جنبه اعتقادی دارد و برای تهذیب نفس و برقراری ارتباط معنوی با خدا بسیار مفید و راهگشا است. در واقع این نوع خودشناسی مقدمه خودسازی اخلاقی است. در گروه کهن‌الگوهای معرفی شده به وسیله یونگ و بولن، زنانی هستند که با مهربانی خود پذیرای دیگران هستند و کوشش می‌کنند دیگران را شاد و خوشحال کنند. این زنان در تیپ شخصیتی کهن‌الگوی یونگ و بولن، زنان دیمیتری خوانده می‌شوند. آنها بسیار احساساتی هستند، از احساسات دیگران بسیار تاثیر می‌پذیرند با شادی دیگران شاد و با ناراحتی آنها ناراحت می‌شوند. به کار منزل و کارهای هنری و خانگی علاقه دارند و دوستان با وفایی برای همسر، فرزندان و اقوام هستند. برای دیمیتر فرزند اولویت اول است. در نتیجه‌گیری از کهن‌الگوی آرتمیسی این موارد مشاهده می‌شود. آرتمیسی‌ها، زنانی مستقل، جسور و هدف‌گرا هستند که برای رسیدن به اهداف خود از هر مانعی می‌گذرند. این زنان در تجارت، ورزش و امور مدیریتی بسیار موفق هستند. علاقه مند به طبیعت گردی و ورزش هستند. این زنان خود را وابسته به دیگران نمی‌دانند و با پشتکار و جنگندگی برای رسیدن به هدف‌های خود کوشش می‌کنند. وجود زنان آرتمیسی در دنیای امروز که به سمت برابری حقوق زنان و مردان پیش می‌رود و کودکان، حیوانات و محیط زیست بیش از پیش نیاز به حمایت دارند، یک موهبت است، ولی، یک زن آرتمیسی باید بتواند ابعاد انعطاف پذیر و توانایی برقراری رابطه با دیگران را در خود پرورش دهد. زنی که دارای تیپ شخصیتی آرتمیسی است، می‌تواند دیگران را بیشتر دوست بدارد و در کنار استقلال به صمیمیت و روابط عاطفی نیز، اهمیت بدهد. زنان دیمیتری لازم است که بینش کهن‌الگوی دیمیتر را در ارتباط با خودشان نیز، به کار گیرند. در مقابل خواسته‌های نابه‌جا و بدرفتاری به خودشان اطمینان دهند که شایسته بهترین رفتارند و باید همان کاری را انجام دهند که خودشان می‌خواهند. برای خودشان وقت بگذارند و اجازه

دهند دیگر انرژی ها و الگوهای کهن در آن ها پرورش یابد. هر دو گروه زنان آرکی تاپ آرمیسی و دیمیتری می دانند که خواستن توانستن است.

من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

منابع و مراجع

- [۱] بولن، جین شینودا، ۱۳۹۶، نمادهای اسطوره ای و روانشناسی مردان، مینو پرنیانی، انتشارات آشیان.
- [۲] بولن، شینودا، ۱۳۹۸، خرد خاص و جذاب بودن برای زنان در نیمه دوم عمر، مترجم حمید رطبی، ناشر بنیاد فرهنگ زندگی.
- [۳] یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۹۸، ناخودآگاه جمعی و کهن الگو، فرناز گنجی و محمد باقر اسمعیل پور، تهران: نشر جامی.

